

## تپه خالصه، کهن‌ترین استقرار پیش از تاریخی در حوزه آبریز ابهر رود

سجادعلی بیگی\* و شکوه خسروی\*\*

### مقدمه:

در پائیز ۱۳۸۲ نخستین فصل پروژه بررسی و شناسایی آثار باستانی شهرستان‌های ابهر و خرم‌دره زیر نظر مدیریت میراث فرهنگی استان زنجان به سرپرستی آقای ابوالفضل عالی انجام گرفت. در این فصل بررسی که به مدت دو ماه به‌طول انجامید، گروه موفق به بررسی و شناسایی ۹۲ اثر و محوطه باستانی شد، این مکان‌ها شواهدی از دوره پارینه سنگی تا دوره‌های متأخر اسلامی را ارائه می‌دادند. به‌علاوه آثار و مدارک فرهنگی از سطح این مکان‌ها برای انجام مطالعات پیش‌تر گردآوری شد که پس از تحقیق و مطالعه، تحویل انبار میراث فرهنگی شهرستان ابهر گردید.

### اهمیت پژوهش:

دشت‌های حاصل‌خیز، رودهای دائمی، نهرها، چشمه‌ها و منابع حیوانی و گیاهی که نیازهای اصلی برای معیشت هستند، به‌طور عمده

در منطقه وجود دارد و این محدوده را مستعد استقرار ساخته‌اند. با توجه به وضعیت فرارگیری دشت ابهر و خرم‌دره در بین دو رشته کوه شمالی و جنوبی (نقشه شماره ۱)، این محل از دیرباز تاکنون به‌صورت یک گذرگاه و مسیر مهم مبادلاتی مطرح بوده، ولی تاکنون مورد بررسی باستان‌شناختی قرار نگرفته و یا هنوز گزارش آن منتشر نشده است (طلایی، ۱۳۸۱: ۸).

با در نظر گرفتن این که این ناحیه مسیر اصلی و طبیعی ارتباطات دو ناحیه فلات مرکزی و شمال غرب ایران از دوره نوسنگی تا به امروز بوده، بررسی و مطالعه وضعیت استقرارهای آن بسیار مهم و درخور توجه است. این همان راه ارتباطی است که بر اساس داده‌های باستان‌شناختی نشان می‌دهد که حداقل در هزاره ششم قبل از میلاد بین فلات مرکزی و دره سولدوز ارتباط فرهنگی برقرار بوده است. یکی از بهترین دلایل استفاده از این راه ارتباطی (دشت خرم‌دره) بین ساکنان دره سولدوز و فلات مرکزی شباهت بسیار نزدیک سفال‌های

\* دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

پنجه مرغی، گل گندم، اسپرس، شیرسگ، گرامینه، مرکبه، شیرین بیان، کمون، کنگر وحشی، پیچک وحشی، کاسنی، ورکه و عشقه در منطقه وجود دارد (صدری، ۵۸-۵۵: ۱۳۸۰). پوشش گیاهی ارتفاعات و دامنه‌ها، زندگی شبانی را شکل می‌دهد؛ حاصل این امر ایجاد مراکز تجمع انسانی و اقتصادی است.

### شیوه بررسی:

محدوده بررسی شامل ۱۲۰۰ کیلومترمربع از حوزه شهرستان‌های ابهر و خرم‌دره است که از سمت جنوب و شرق به استان قزوین، از سمت غرب به شهرستان‌های خدابنده و ایجرود و از سمت شمال به شهرستان‌های زنجان و طارم محدود است (عالی، ۴: ۱۳۸۵).

باتوجه به موقعیت استراتژیک و استعداد بالقوه منطقه برای زندگی، بررسی به صورت پیمایشی و با پای پیاده صورت گرفت. تا حد امکان تمامی محل‌هایی که مستعد استقرار بودند، به‌ویژه حاشیه رودها، نهرها و چشمه‌ها، هم‌چنین دره‌ها، کوه‌پایه‌ها و بستر خشک شده رودخانه‌ها و مسیر سیلاب‌های فصلی به صورت دقیق و قدم‌به‌قدم بررسی شد. از کمک‌ها و راهنمایی‌های مردم محلی نیز برای اطلاع یافتن از وجود محل‌های باستانی بهره برده شد و به تمام محل‌هایی که روستاییان و شبانان از وجود معدود تکه‌های سفال سخن می‌گفتند مراجعه شد تا هیچ‌گونه شک و تردیدی در مورد وجود آثاری که از چشم ما دور مانده بود، نباشد (همان: ۲۰).

### تپه خالصه:

تپه خالصه یا یازی تپه در  $36^{\circ} 11' 47''$  طول و  $51^{\circ} 01' 15''$  عرض جغرافیایی در انتهای خیابان شریعتی خرم‌دره، در جنوب این شهر واقع شده و اکنون درون محدوده یک باغ قرار گرفته که در مالکیت خصوصی است (همان: ۸۲) (نقشه شماره ۲). ابعاد تپه  $46 \times 46$  متر و ارتفاع آن از سطح دریا  $1537$  متر است.

حاجی فیروز با سفال‌های نوع زاغه است (ملک شه میرزادی: ۲: ۱۳۸۲). دلیل دیگری بر اهمیت این محدوده، گذشتن جاده خراسان بزرگ از جانب شرقی این ناحیه است و شاخه دومی از این راه با مسیر طبیعی (قزوین، زنجان، میانه)، دو ناحیه مذکور را به هم مرتبط می‌ساخته است. بنابراین اطلاع و آگاهی از الگوهای استقرار این منطقه می‌تواند درک و آگاهی ما را از چگونگی تقابل دو منطقه فرهنگی فزونی دهد.

هدف اصلی در بررسی این فصل شناسایی مکان‌های باستانی و محل‌های استقرار و نیز شناخت الگوهای استقراری و مشخص کردن پراکندگی مکان‌های باستانی و در پایان بررسی ارتباطات فرهنگی با محوطه‌های باستانی هم‌دوره بود.

### وضعیت طبیعی و جغرافیایی:

به‌منظور دستیابی به شناختی جامع از وضعیت زندگی در ادوار پیشین در هر مکان لازم است بستر و شرایط جغرافیایی حاکم بر آن مورد توجه قرار گیرد.

شهرستان‌های ابهر و خرم‌دره در منطقه‌ای کوهستانی هستند که کوه‌های آن به صورت دو رشته موازی به دنبال کوه‌های زنجان از قافلان‌کوه، محل عبور رودخانه فزل اوزن با جهت شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده است و تا دشت قزوین (تاکستان) ادامه دارد. دشت یک چاله تکنونیک صاف است که یک گسل، این منطقه را از کوه‌های سلطانیه جدا می‌کند. فلات مرتفع «زنجان ابهر»، طارم را از رشته کوه‌های طویل و باریک سلطانیه جدا می‌کند (اشنوکلین، ۴۳۳: ۱۳۷۹).

ارتفاعات شهرستان ابهر و خرم‌دره که از شمال با رشته کوه البرز و از جنوب و جنوب غربی با رشته کوه زاگرس هم‌جوار است، با دریافت برف و باران فراوان و ایجاد شاخه‌های متعدد ابهرود که رسوبات فراوانی را در دره‌ها ته‌نشین می‌کند، زمین‌های حاصل‌خیزی برای کشاورزی ایجاد می‌کند. گونه‌های بومی نباتات چون: بومادران،

«روش گردآوری مواد فرهنگی چون سفال، ابزار سنگی و... به صورت نمونه‌برداری تصادفی انجام گرفت و اولویت نمونه‌برداری با آثار شاخص بود. مثلاً در مورد قطعات ظروف سفالی، تکه‌های لیه، دسته، بدنه منقوش و کف‌ها گردآوری شد. در ضمن برای توضیح و ثبت اطلاعات اولیه فرمی تهیه شده بود که اطلاعات جغرافیایی (طول و عرض جغرافیایی، ارتفاع از سطح دریا)، ابعاد محوطه، اطلاعات خود مکان (وضعیت قرارگیری، میزان دست‌کاری‌های انسانی و...) و میزان و محل پراکندگی آثار (آجر، اجاق، تنور و...) ثبت و در آخر نیز کروکی محل، ترسیم و ضمیمه اطلاعات محل باستانی می‌شد.

همچنین ارتفاع این تپه نسبت به سطح زمین‌های اطراف در بلندترین قسمت به حدود ۲/۵ متر می‌رسد (تصویر شماره ۱۵).

در بعضی از قسمت‌ها برای هموار کردن سطح تپه، سنگ‌ها و نخاله‌های سطحی را جمع‌آوری کرده و در یک محل ریخته‌اند که بین آن‌ها چند قطعه ابزار سنگی به‌دست آمد. در ضمن در قسمت شمال غربی تپه، چاله حفاری غیرمجاز با عمقی حدود ۱/۵ متر وجود دارد که در آن قطعات سفال در میسان لایه‌های به‌هم‌ریخته نمایان شده است.

به دلیل دست‌کاری‌ها و خاک‌برداری‌هایی که جهت هموار کردن سطح تپه با زمین‌های اطراف به‌منظور خشک کردن دانه‌های انگور صورت گرفته، تعیین ارتفاع اولیه تپه دشوار است اما به‌نظر نمی‌رسد که بلندی آن بیش از ۴ متر بوده باشد.

همچنین در بررسی که در جانب شرقی تپه در اثر خاک‌برداری ایجاد شده قسمت‌هایی از بدنهٔ دو تنور با خاکستر فراوان به‌چشم می‌خورد. به‌طور کلی میزان تخریب و دست‌کاری‌های انسانی در این تپه بسیار زیاد است تا جایی که نیمه از تپه خاک‌برداری غیرمجاز شده و خاک آن را به اطراف انتقال داده‌اند (تصویر شماره ۲ و ۳).

به‌نظر می‌رسد که منبع تأمین آب ساکنان تپه خالصه، رود خشکه رود بسا شاخه‌ای از ابررود در فاصلهٔ حدود یک کیلومتری شمال تپه بوده که در چندین سال گذشته خشک شده و اکنون فقط بستر خشک آن که در حدود ۳ متر از زمین‌های اطراف پایین‌تر است، باقی مانده و با توجه به عمق و عرض رودخانهٔ خشکه رود به‌نظر می‌رسد که این رودخانه یک رودخانهٔ دائمی و منبع اصلی تأمین آب ساکنان تپه خالصه بوده است. در ضمن هیچ چشمه، نهر یا رودخانهٔ دیگری در نزدیکی این مکان شناسایی نشده که نشان‌دهندهٔ منبعی برای تأمین آب مورد نیاز ساکنان محل باشد.

### مواد فرهنگی:

در بررسی این تپه قطعاتی از سفالینه، ابزارهای سنگی، ابزار استخوانی و یک قطعه سنگ با چند فرو رفتگی و شیار از سطح تپه و همچنین در میان لایه‌های به‌هم‌ریخته گردآوری شد که در ادامه به توصیف آن‌ها خواهیم پرداخت. علاوه‌براین، برای تخمین محدودهٔ زمانی مجموعه‌ها، تا حد امکان آن‌ها را با محوطه‌های هم‌دوره مقایسه می‌نماییم تا تحلیل اجمالی ما از مجموعه‌ها قابل استناد باشد.

### سفال:

به‌طور کلی سفال‌های گردآوری شدهٔ خالصه را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱- سفال ساده      ۲- سفال منقوش.

سفال‌های ساده که بیش‌تر مجموعه را شامل می‌شوند از نظر رنگ خمیره، عموماً در طیف‌هایی از رنگ قرمز تا کرم به‌خصوص در رنگ نارنجی قرار می‌گیرد. همچنین سفال‌هایی که رنگ خمیره آن‌ها در داخل و بیرون نخودی یا قرمز است و به دلیل عدم پخت مناسب مغز آن‌ها خاکستری رنگ شده نیز از گونه‌های سفال ساده هستند.

سفال‌های به‌دست آمده در سه ویژگی مشترکند:

۱- شاموت گیاهی      ۲- دست‌ساز بودن      ۳- پوشش گلی رقیق.  
سفال‌ها اغلب شاموت گیاهی دارند و در مواردی از سفال‌های منقوش ترکیبی از مواد گیاهی و شن‌ریزه در آن‌ها استفاده شده است. همچنین در نمونه‌هایی از سفال‌های ساده که شاموت فراوانی از کاه دارند شن درشت نیز به صورت ناخالصی دیده می‌شود. ارنظر فن‌آوری ساخت، همهٔ سفال‌ها دست‌ساز هستند. به استثنای سفال‌های منقوش، بیش‌تر سفال‌ها خشن هستند و بافت متراکمی ندارند. از نظر پخت نیز سفال‌ها اکثراً پخت ناکافی دارند، البته در این مجموعه سفال‌هایی نیز دیده می‌شوند که با حرارت کافی پخته شده‌اند. پوشش بیش‌تر سفال‌ها، گلی رقیق به رنگ‌های نخودی، نارنجی و نخودی مایل به صورتی است. بیش‌تر سفال‌ها دارای شکل‌های ساده هستند. متداول‌ترین شکل ظروف عبارتند از کاسه‌های ساده (طرح شماره ۱۷-۸-۶-۴)، کاسه‌های گود (طرح‌های شماره ۴۱-۱۰) و قدهای بزرگ (طرح‌های شماره ۱۹-۱۵-۱۶-۱۲). علاوه‌براین‌ها، به‌جز یک قطعهٔ منقوش از یک کوزهٔ کوچک، شکل دیگری به‌دست نیامده است. سفال‌ها دارای لبه‌های عمودی و ساده هستند (طرح‌های شماره ۷-۶-۴) و انحناهای بدنهٔ ظروف بیش‌تر رو به بیرون ظروف است (طرح‌های شماره ۱۳-۱۱-۹-۷) و فقط در چند نمونه از مجموعهٔ سفال‌های ساده (طرح‌های شماره ۱۴-۶-۱۰) انحنا به درون دیده می‌شود. نکتهٔ قابل توجه این‌هاست که در مجموعهٔ سفال‌ها، کم‌تر سفال ظریفی دیده می‌شود و سفال‌ها عموماً همان سفال‌های خشن و تعدادی هم سفال منقوش با قطر متوسط (حدود ۶ میلی‌متر) هستند.

سفال‌ها را می‌توان از نظر شکل ظروف با سفال‌های سیلک I

از جنس سنگ آهک و سنگ چخماق، البته با تنوع در تراکم کانی‌ها می‌باشند.

مجموعه شامل سه ساطور ساخته شده از قلوه سنگ آهکی (طرح‌های شماره ۳ و ۲ و ۱ و تصویر شماره ۴)، یک شبه ساطور، یک کوبنده سنگی که آثار کوبش در یک انتهای آن دیده می‌شود، (طرح شماره ۸)، یک قطعه تراشه ضخیم (قطعه سنگ مادر) و ۳ سنگ مادر تراشه است (طرح‌های شماره ۶ و ۵ و ۴ و تصویر شماره ۵). همچنین ۴ تراشه نیز در مجموعه دیده می‌شود که از سنگ چخماق قهوه‌ای، سنگ چخماق روشن (سفید)، سنگ آذرین و سنگ آهک ساخته شده‌اند. برای ساخت یکی از سنگ مادرها نیز احتمالاً از جنس توف استفاده شده است. آثار کورتکس نیز در دو مورد از آن‌ها دیده می‌شود. در مجموع هم ساطورها و هم سنگ‌های مادر احتمالاً برای تولید تراشه به کار رفته‌اند و اثری از فن‌آوری تولید تیغه در این مجموعه دیده نمی‌شود. معمولاً در صنایع دوره نوسنگی و مس و سنگ انتظار می‌رود که فن‌آوری تولید تیغه حضور مشخص‌تری داشته باشد.

با توجه به گونه ابزارها، تکنیک ساخت و وجود پتینه ضخیم بر روی تعدادی از ابزارها، احتمال این که برخی از این قطعات و یا حتی کل مجموعه مربوط به استقرار نوسنگی تپه خالصه نباشد و مربوط به دوره‌ای بسیار کهن‌تر (مثلاً پارینه سنگی قدیم) باشند، وجود دارد (نگارندگان در نوشته‌ای دیگر به‌طور کامل در مورد ابزارهای سنگی بحث کرده‌اند: علی بیگی و خسروی، آماده چاپ).

### ابزار استخوانی:

تنها یک قطعه ابزار استخوانی فرسوده به‌دست آمده که دارای ۲۴ میلی‌متر طول و ۶ میلی‌متر پهناست.

### شیء سنگی:

شیء دیگری که در بررسی‌های این تپه به‌دست آمده شیء سنگی با چند فرورفتگی و شیار است. این شیء از جنس سنگ آهک به رنگ کرم تیره ساخته شده‌است. ابعاد آن عبارت است از: ۵۷ میلی‌متر ارتفاع، ۶۰ میلی‌متر پهنا و ۴۰ میلی‌متر قطر.

بر روی سطح سنگ دو فرورفتگی به‌صورت دایره‌ای و به عمق ۹ میلی‌متر وجود دارد، فرورفتگی چپ کمی بالاتر از فرورفتگی سمت راست است، جزء دیگر شیاری کج در جانب چپ شیء است (تصویر

(گیرشمن، ۱۳۷۹) و حاجی‌فیروز (Voight, 1983) قابل مقایسه دانست. تمام سفال‌های منقوش نقش‌مایه هندسی دارند که شامل طرح‌هایی چون هاشورهای متقاطع، طرح‌های جناغی (هشتی)، طرح نردبانی و چهار ضلع‌های (لوزی) درون یک باند هستند (طرح‌های شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۸).

نمونه جالب توجه قطعه‌ای از یک کاسه یا بشقاب کم‌عمق است. داخل ظرف به وسیله نقوش هندسی و کف آن به وسیله نقوش گیاهی تزیین شده است (طرح شماره ۲۰). تزیین ظروف با رنگ‌های قهوه‌ای تیره، سیاه و قرمز صورت گرفته است. دکتر ملک شه‌میرزادی در مورد تزیین سفال‌های چشمه علی می‌گوید: «برای نقاشی از رنگ استفاده شده و مواد رنگی منحصرأ ماده معدنی نبوده، بلکه مواد آلی نظیر روغن‌های حیوانی و دوده نیز با مواد معدنی مخلوط شده است و به‌دلیل استفاده از این رنگ بوده که پس از پخته شدن، رنگ نقوش به طیفی از رنگ‌های قهوه‌ای، قهوه‌ای تیره و سیاه درمی‌آمده است» (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۱: ۸). به احتمال تزیینات نقاشی شده بر روی ظروف خالصه نیز به همین صورت بوده است.

از نظر نقش، سفال‌های این تپه را می‌توان با سفال‌های منقوش دوره اول سیلک (گیرشمن، ۱۳۷۹) و در مواردی زاغه (Malek Shahmirzadi, 1977) قابل مقایسه دانست. در قسمت‌های غربی فلات مرکزی نیز در چند محل چون ماه تپه و چهار بنه در نزدیکی بومین زهرا که اخیراً توسط موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران مورد شناسایی قرار گرفته، چند گونه سفالی مشابه، به‌خصوص از نظر جنس و نقش مورد شناسایی قرار گرفته‌است (مشاهدات شخصی). همان‌گونه که می‌دانیم، اکثر فرهنگ‌های پیش از تاریخ در هزاره ششم ق.م فرهنگ‌های محلی بوده‌اند و ارتباطات فرهنگی در این دوره کم‌تر مطرح است، با این تفاسیر به‌نظر می‌رسد که مجموعه خالصه، سنتی محلی در سفال‌گری هزاره ششم ق.م در حاشیه شمال غربی فلات مرکزی ایران است. همچنین نظر دکتر ملک شه‌میرزادی این است که: «سفال‌گران دوره فلات قدیم بیش‌تر تحت تأثیر ویژگی‌ها و فرهنگ‌های بومی به تزیین سفال‌ها پرداخته‌اند» (ملک شه‌میرزادی و نوکنده، ۱۳۷۹: ۱۸۶).

### صنایع سنگی:

ابزارهای سنگی به‌دست آمده بیش‌تر از سنگ‌های محلی و اغلب

شماره ۶).

بستر زمین‌ریخت‌شناسی این مکان به‌دقت مورد مطالعه قرار گیرد. هرچند که اطلاعات زیادی دربارهٔ چگونگی روش‌های کشاورزی در فلات مرکزی ایران و حاشیهٔ آن در دست نیست (ر. ک: تنبرگ، ۱۳۸۲: ۱۸۶)، اما باتوجه‌به قرارگیری تپه خالصه در میان دشت و نزدیکی به منابع آب به‌نظر می‌رسد شیوهٔ معیشت ساکنان این محل بیش‌تر وابسته به کشاورزی و تا حدودی دام‌داری و شکار بوده، البته نباید صید و استفاده از حیوانات آبی را نیز از نظر دور داشت. پس می‌توان گفت که اقتصاد زیستی باعث شکل‌گیری چنین الگوی استقراری (قرار گرفتن در میان دشت) در منطقه شده است.

هم‌چنین اطلاعات ما دربارهٔ اقتصاد زیستی در این منطقه (فلات مرکزی) بسیار جدید است و بیش‌تر این معلومات مربوط به مطالعات باستان‌جانورشناسی دشت قزوین می‌شود. از ویژگی‌های بارز اقتصاد زیستی دشت قزوین که هم‌جوار با دشت‌های خرم‌دره و ابهر می‌باشد افزایش غیر منتظرهٔ شکارگری از دوران نوسنگی تا عصر آهن است، این امر بسیار قابل توجه است و باید با دقت بیش‌تری در محوطه‌های باستانی فلات مرکزی ایران به منزلهٔ یک شاخص فرهنگی نسبت به منطقه زاگرس مورد مطالعه قرار گیرد (مشکور، ۱۹۰-۱۸۹: ۱۳۸۲).

به دیگر سخن، آثار و مواد فرهنگی گردآوری شده (با توجه به سفال) تپه خالصه را در شمار معدود استقرارگاه‌های دورهٔ نوسنگی در این ناحیه (منتهی‌الیه شمال غربی فلات مرکزی) قرار می‌دهد. مطالعهٔ چندین استقرار کهن پیش‌اتاریخی در حوزهٔ آبریز ابهر رود نشان می‌دهد که به احتمال فراوان تپه باستانی خالصه نخستین و کهن‌ترین استقرار دایمی شناخته شده در این حوزهٔ آبریز است و به‌نظر می‌رسد این مکان با توجه به ابعاد و فراوانی مواد فرهنگی برای گمانه‌زنی مناسب باشد، تا از این ره‌گذر زوایای تاریک دورهٔ نوسنگی را در این ناحیه شناسایی کنیم.

### سپاس‌گذاری و قدردانی

مایلم در این‌جا از آقای ابوالفضل عالی سرپرست هیئت بررسی به خاطر اجازه ارائه گزارش و مساعدت‌هایشان در تهیهٔ این مقاله سپاس‌گذاری و قدردانی نمایم. از فریدون بیگلری و سامان حیدری که با صبر و حوصله ما را در شناسایی گونه‌های ابزارها و جنس آن‌ها یاری دادند و از دکتر کامیار عبدی و حمیدرضا ولی‌پور به‌خاطر بازخوانی متن اولیهٔ مقاله و پیشنهادات و راهنمایی‌های بسیار

به‌نظر می‌رسد احتمالاً تمامی سطح شی با رنگ قرمز تیره پوشیده شده که اثر رنگ را می‌توان در فرورفتگی‌ها و پشت شی به‌تر مشاهده کرد (هرچند باتوجه‌به جنس سنگ این رنگ می‌تواند حاصل زنگار آن نیز باشد). در جانب دیگر هم یک فرورفتگی ایجاد شده که البته عمیق‌تر و نامنظم‌تر است. علاوه‌بر این‌ها وجود ده‌شیار برش مانند بر روی شی جلب توجه می‌کند. شیارها بین ۶ تا ۱۶ میلی‌متر طول دارند، و به‌نظر می‌رسد با ابزاری تیز بر روی سطح سنگ ایجاد شده‌اند، احتمال دارد که از این سنگ برای تیز کردن ابزار استخوانی استفاده شده باشد.

### حاصل سخن:

با نگاهی دقیق به مجموعهٔ سفالی خالصه و توجه به تکنولوژی ابتدایی ساخت، فرم‌های ابتدایی، ساده و بدون تزئین بودن سفال (درصد بسیار کمی از این مجموعه منقوش می‌باشد)، شاموت بسیار زیاد و درشت‌کاه، هم‌چنین پخت کم می‌توان گفت که سفال‌های خالصه مربوط به دورهٔ نوسنگی و با احتیاط بیش‌تر، خالصه از اولین مکان‌های استقرار در دشت خرم‌دره است. باتوجه به مطالعه، تحلیل و مقایسهٔ گونه‌های سفال موجود (براساس شکل و نقوش ظروف)، می‌توان سفال‌های این تپه را قابل مقایسه و هم‌افق با سفال‌های به‌دست آمده از دوره‌های سینک I، زاغه و احتمالاً چهارپنه در فلات مرکزی و حاجی‌فیروز در شمال غرب ایران دانست. آن‌گونه که بیش‌تر نیز آمد، اکثر فرهنگ‌های پیش از تاریخ در هزارهٔ ششم ق.م فرهنگ‌های محلی بوده‌اند و ارتباطات فرهنگی در این دوره کمتر مطرح است، با این تفاسیر به‌نظر می‌رسد که مجموعهٔ خالصه سنتی محلی در سفال‌گری هزارهٔ ششم ق.م در حاشیهٔ شمال غربی فلات مرکزی ایران است.

در مورد صنایع سنگی نمی‌توان به این صراحت بحث کرد، در صنایع دورهٔ نوسنگی و پس از آن انتظار می‌رود که فن‌آوری تولید تیغه‌های سنگی حضور مشخص‌تری داشته باشد، اما هیچ اثری از فن‌آوری تولید تیغه در این مجموعه دیده نمی‌شود. البته با توجه به گونهٔ ابزارها، تکنیک ساخت و وجود پتینه ضخیم در روی برخی از این قطعات، احتمال کهن‌تر بودن تعداد یا اکثر قطعات مجموعه وجود دارد (حتی پارینه سنگی قدیم). البته برای اثبات این نظریه می‌بایست

-----؛ ۱۳۷۴. «گاه‌نگاری پیش‌ازتاریخ فلات مرکزی ایران، دوران نوسنگی تا آغاز شهرنشینی»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال نهم، شماره دوم، بهار و تابستان ۷۴، شماره پیاپی ۸  
ملک شه‌میرزادی، صادق و نوکنده، جبرئیل؛ ۱۳۷۹. آتی تپه. انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، میراث فرهنگی استان گلستان.

### ب) غیر فارسی

Malek Shahmirzadi, S; 1977. *Tepe Zagheh: A Sixth Millennium B.C Village in the Qazvin Plain of the Central Iranian Plateau*. P.H.D. Dissertation, University of Pennsylvania.  
Voigt, M.M; 1983. *Hajji Firuz Tepe, Iran: the Neolithic Settlement*. University Museum Monograph 50, Philadelphia: University Museum, University of Pennsylvania.

ارزنده‌شان سپاس‌گذاریم. از کوروش روستایی و امیرصادق نقشینه برای ارایه نقطه نظرات سازنده‌شان و از سحر شیخی و پروین رنجبری برای طراحی ابزارهای سنگی متشکریم. در پایان، ذکر این نکته ضروری است که عقاید و نظرات ارائه شده در این نوشتار منعکس‌کننده ایده‌های نگارندگان است و هرگونه ابهام و نارسایی در انتقال مفاهیم نیز تنها منوجه نگارندگان خواهد بود.

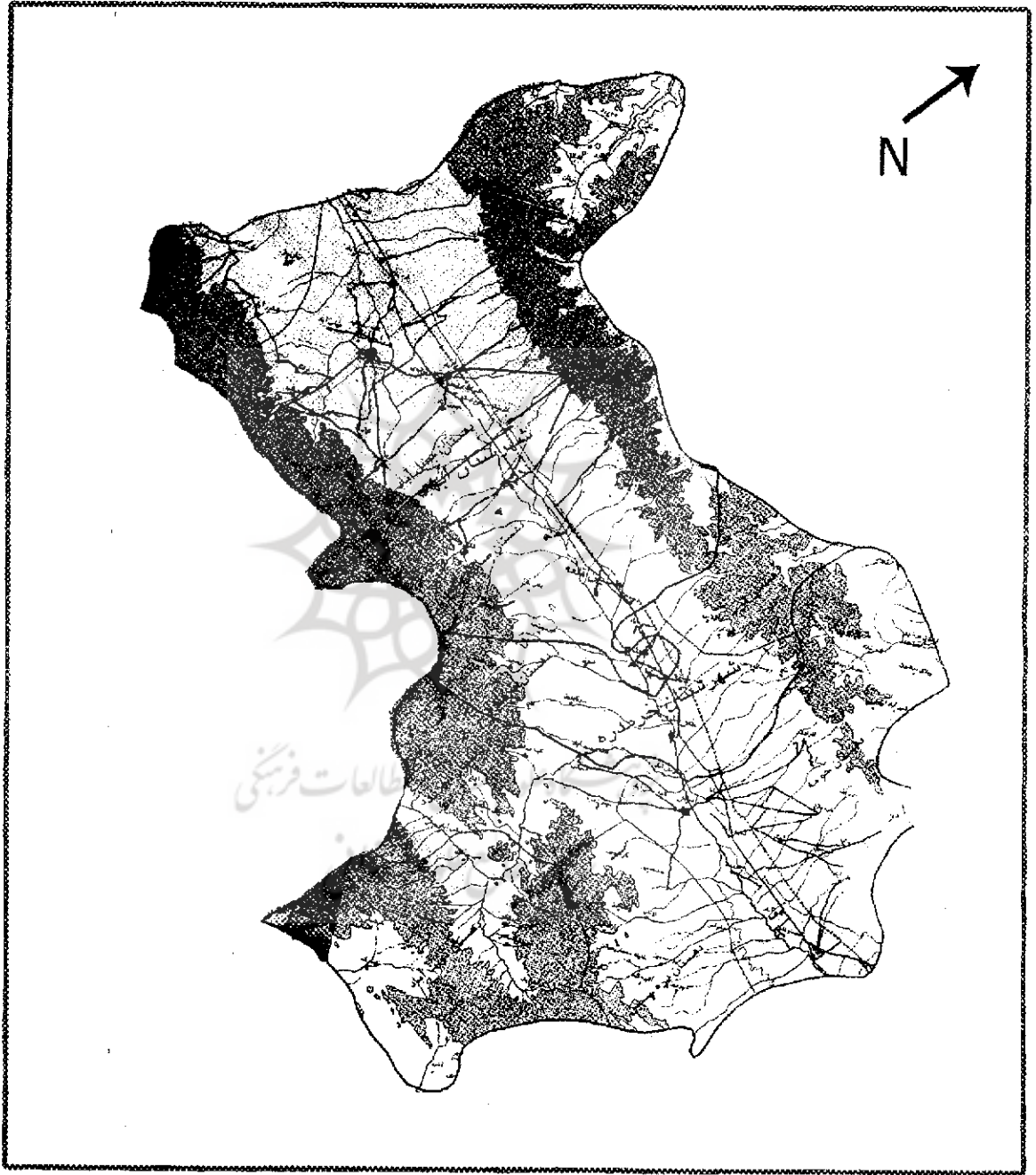
### کتاب‌نامه

#### الف) فارسی

اشتوکلین. و؛ ۱۳۷۹. «زمین‌شناسی چهارچوب زنجان»، فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور. سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. جلد اول.  
تبرگ، مارگارا؛ ۱۳۸۲. «گزارش‌های مقدماتی مطالعات گیاه‌باستان‌شناسی در تپه سیلک»، ترجمه دکتر صادق ملک شه‌میرزادی، در تفره کاران سیلک. به کوشش صادق ملک شه‌میرزادی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.  
صدری، فرشید؛ ۱۳۸۰. نگرشی بر روند توسعه روستایی در شهرستان ابهر و خرم‌دره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، به راهنمایی دکتر محبتی فدیری معصوم، دانشگاه تهران.  
علی، ابوالفضل؛ ۱۳۸۳. گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناختی حوزه آبریز ابهررود (شهرستان‌های ابهر و خرم‌دره). آرشو مدیریت میراث فرهنگی زنجان (گزارش منتشر نشده).  
علی بیگی، سجاد و خسروی، شکوه؛ منتشر نشده. خالصه، نخستین شواهد دوره پارینه سنگی قدیم در دشت خرم‌دره، حاشیه شمال غربی فلات مرکزی ایران (آماده چاپ).  
طلایی، حسن؛ ۱۳۸۱. باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد. تهران: انتشارات سمت.  
گبرشمن، رومن؛ ۱۳۷۹. سیلک کاشان. ترجمه اصغر کریمی، جلد اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.  
مشکور، مرجان؛ ۱۳۸۲. «مقدمه‌ای بر مطالعات زیست‌محیطی در سیلک»، تفره کاران سیلک. به کوشش صادق ملک شه‌میرزادی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.  
ملک شه‌میرزادی، صادق؛ ۱۳۷۱. «تپه زاغه: تحلیلی اجمالی از منازل مسکونی»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ششم، شماره اول و

سفال‌های گردآوری شده از تپه خالصه - خرم‌دره

ردیف	رنگ خمیره	جنس سفال	شاموت	ساخت	پخت	نوع تزیین	رنگ تزیین	رنگ پوشش
۱	نارنجی	متوسط	کاه	دست‌ساز	کافی	نقاشی - هندسی	سیاه	نخودی
۲	قهوه‌ای	متوسط	کاه	دست‌ساز	کافی	نقاشی - هندسی	قهوه‌ای تیره	نخودی
۳	نخودی تیره	متوسط	کاه	دست‌ساز	کافی	نقاشی - هندسی	قهوه‌ای تا سیاه	نخودی روشن
۴	نارنجی	نیمه خشن	کاه	دست‌ساز	کافی	نقاشی - هندسی	قهوه‌ای کمرنگ	نخودی
۵	نخودی تیره	نیمه خشن	کاه	دست‌ساز	کافی	نقاشی - هندسی	فرمز روشن	نخودی
۶	صورتی	خشن	کاه	دست‌ساز	کافی			نارنجی
۷	نخودی	خشن	کاه	دست‌ساز	ناکافی			
۸	قهوه‌ای	متوسط	کاه	دست‌ساز	کافی	نقاشی - هندسی	فرمز تیره	نارنجی
۹	قهوه‌ای	متوسط	کاه	دست‌ساز	ناکافی			نخودی
۱۰	نارنجی	خشن	کاه	دست‌ساز	کافی			نخودی
۱۱	نارنجی	خشن	کاه	دست‌ساز	ناکافی			
۱۲	صورتی	خشن	کاه	دست‌ساز	ناکافی			
۱۳	نارنجی	خشن	کاه	دست‌ساز	کافی			نخودی
۱۴	نارنجی	خشن	کاه	دست‌ساز	ناکافی			نخودی مایل به صورتی
۱۵	نارنجی	خشن	کاه	دست‌ساز	ناکافی			نخودی - نارنجی
۱۶	نخودی	خشن	کاه	دست‌ساز	کافی			نخودی
۱۷	نارنجی	خشن	کاه	دست‌ساز	کافی			نخودی
۱۸	خاکستری	خشن	کاه	دست‌ساز	ناکافی			نارنجی
۱۹	خاکستری	خشن	کاه	دست‌ساز	ناکافی			قهوه‌ای
۲۰	قهوه‌ای	متوسط	کاه	دست‌ساز	ناکافی	نقاشی - هندسی، گیاهی	سیاه	قهوه‌ای تیره

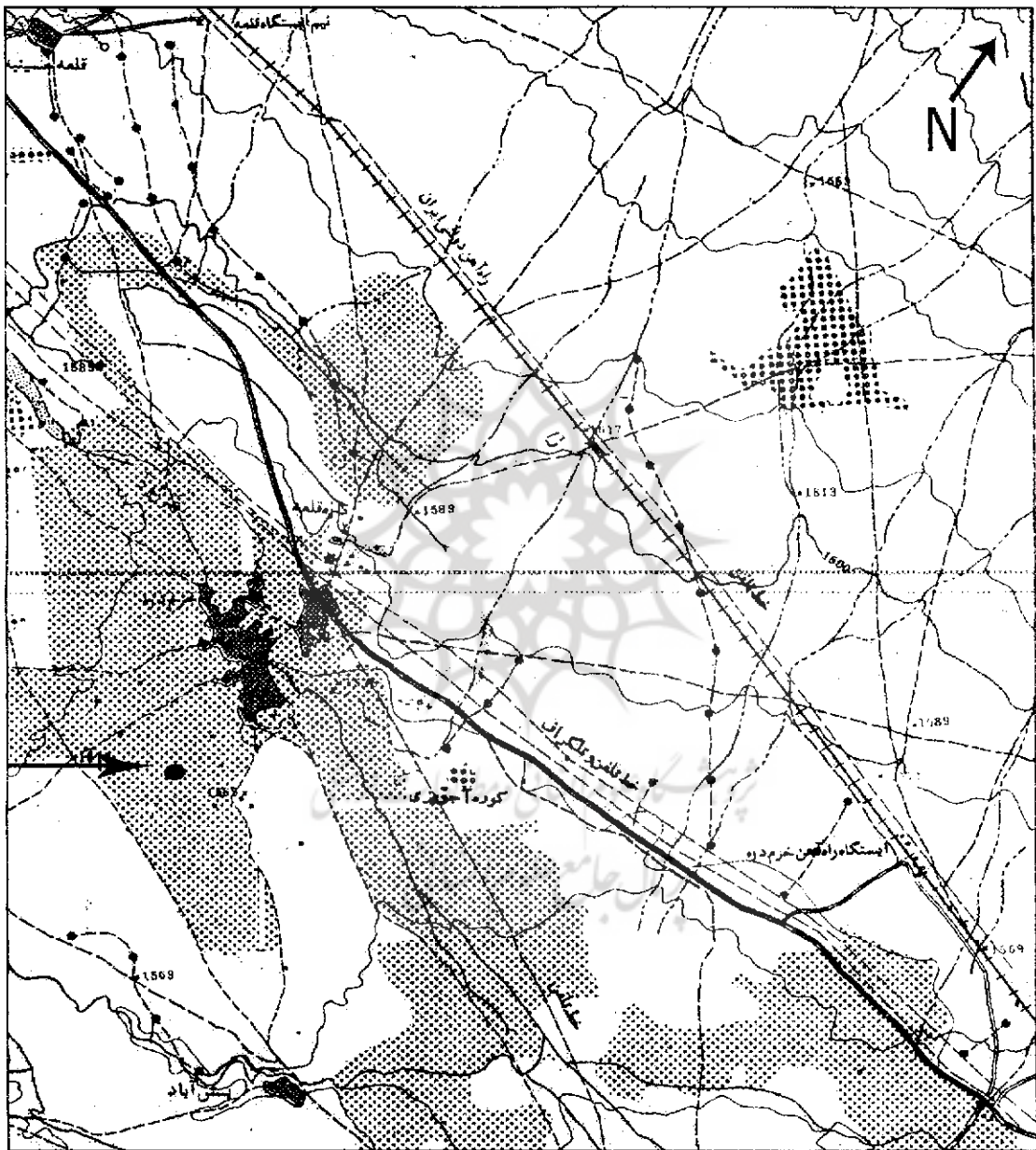


نقشه شماره ۱: وضعیت دشت میان کوهی ابهر و خرم دره در میان ارتفاعات پیرامون

مقیاس ۱

۳۰۰۰۰



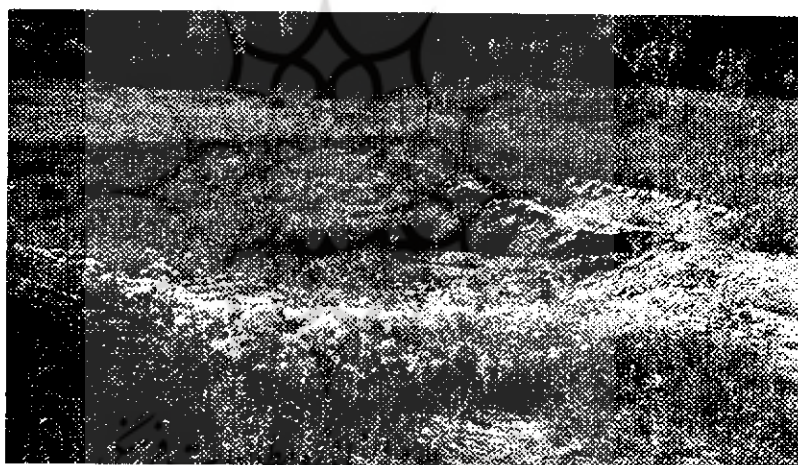


نقشه شماره ۲: موقعیت محوطه با → شخص شده

مقیاس ۱  
—————  
۵۰۰۰۰



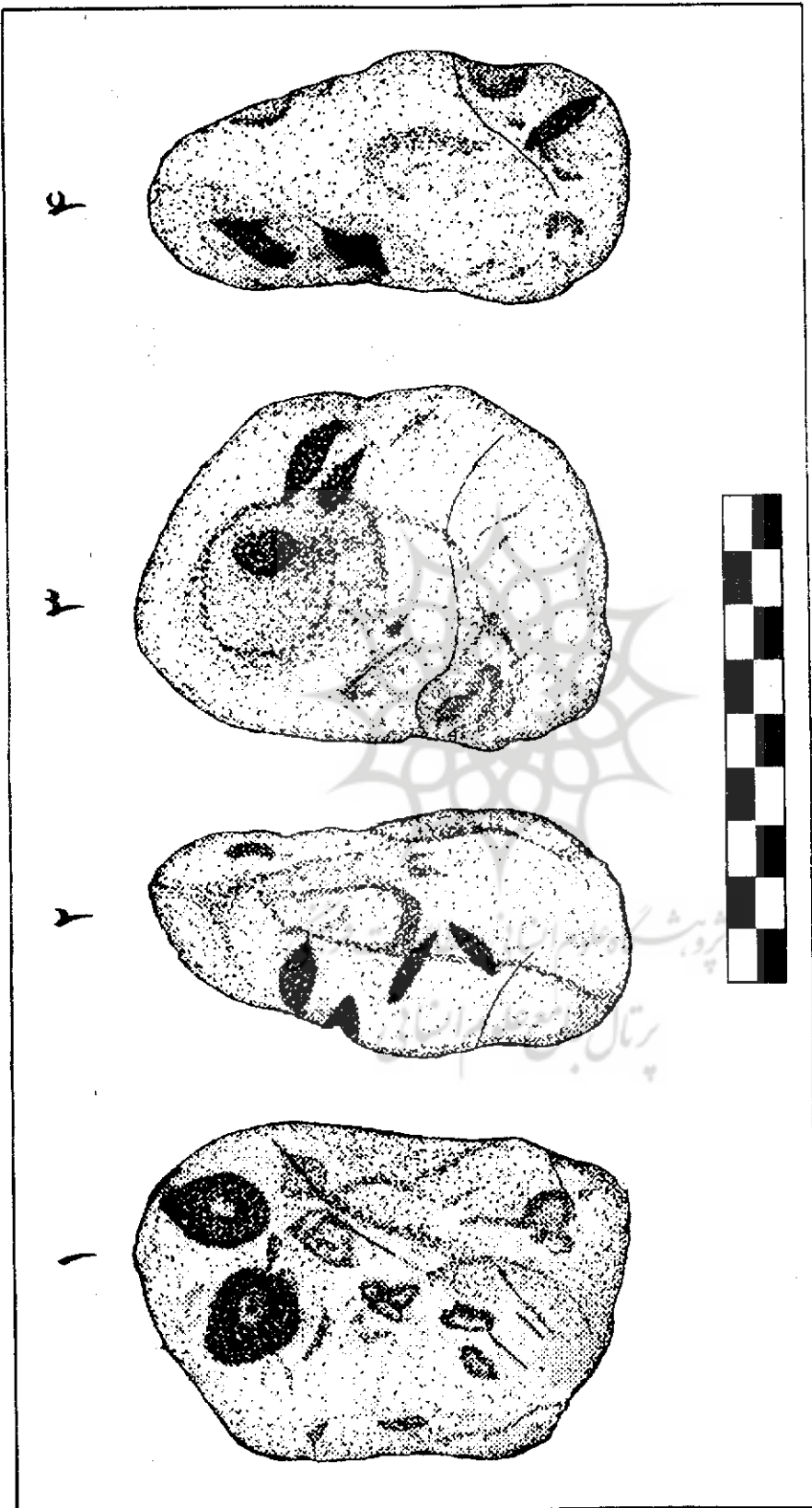
تصویر شماره ۱: نمای کلی تپه خالصه، دید از غرب



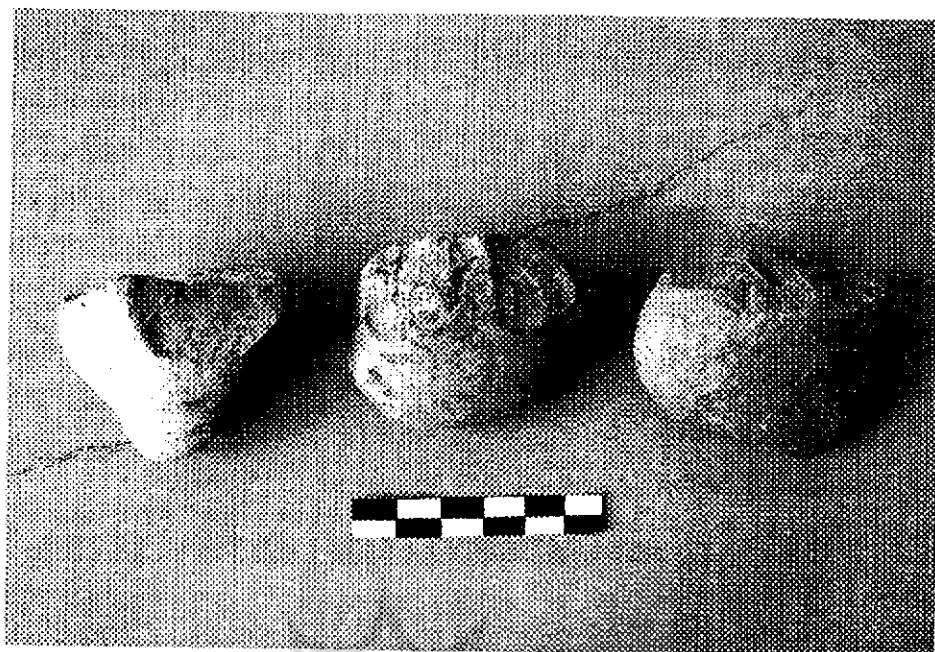
تصویر شماره ۲: تخریبات صورت گرفته در غرب تپه



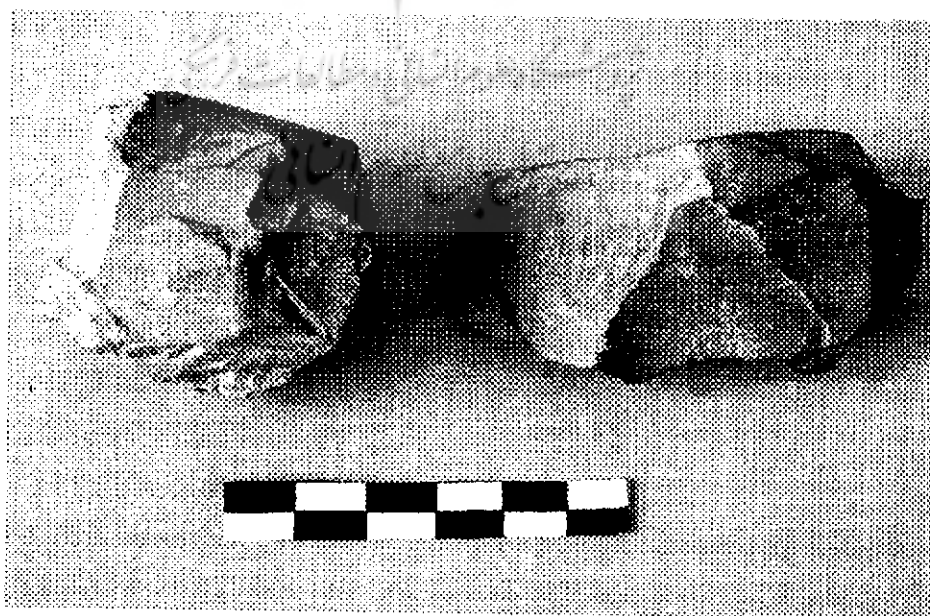
تصویر شماره ۳: خاکبرداری



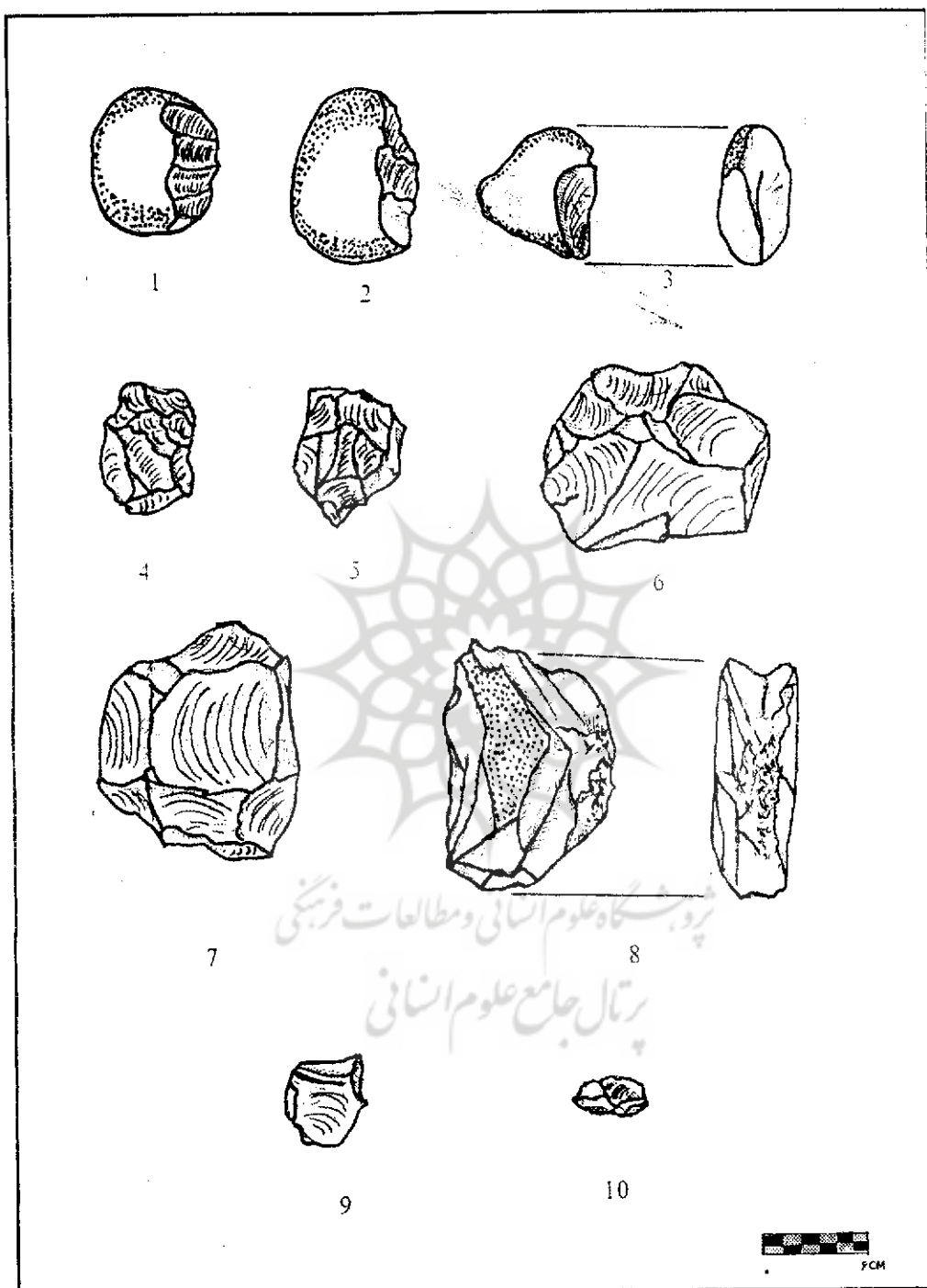
تصویر شماره ۴: نماهایی از نشی سنگی



تصویر شماره ۵: سه ساطور ساخته شده از قلوه سنگ آهنی



تصویر شماره ۶: نمونه‌هایی از سنگ مادرها



صنایع سنگی تپه خالصه: ساطور ابزار (طرح‌های شماره ۱، ۲، ۳)، سنگ‌های مادر (طرح‌های شماره ۴، ۵، ۶، ۷)، قطعه سنگ مادر (طرح شماره ۷)، چکش سنگی با آثار کوبش (طرح شماره ۸)، تراشه (طرح‌های شماره ۹، ۱۰).

